

## بررسی رابطه بین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه انسانی در سطح خرد و جهت‌گیری ارزشی (مورد مطالعه: ساکنان شهرهای سیاهکل و لاهیجان استان گیلان)

محبوبه بابائی<sup>۱\*</sup>، سید مختار میرعلوی<sup>۲</sup>، سهیلا رئیسی مبارکه<sup>۳</sup>

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان زنجان، ایران (نویسنده مسؤل)

۲- کارشناس ارشد پژوهشگری اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان زنجان، ایران

۳- مربی گروه علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، شوشتر، ایران

### چکیده

هدف این پژوهش، تعیین میزان رابطه بین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه انسانی در سطح خرد و جهت‌گیری ارزشی ساکنان شهرهای سیاهکل و لاهیجان است. سؤال اصلی این است: چه رابطه‌ای بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد و جهت‌گیری ارزشی آنان وجود دارد؟ منظور از جهت‌گیری ارزشی این است: مردم به کدام یک از ارزش‌ها گرایش بیشتری دارند؟ ارزش‌های عقلانی، عام‌گرایانه، دمکراتیک و علم‌گرایانه یا ارزش‌های غیرعقلانی، خاص‌گرایانه، غیردمکراتیک و تقدیرگرایانه؟ شاخص‌های متغیر مستقل پژوهش با رویکرد توسعه انسانی نیز شامل: احساس امید به زندگی، وضعیت مالی، شغل، تحصیلات و میزان استفاده از اینترنت است. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری داده‌ها پیمایش تحلیلی است. ابزار سنجش، پرسشنامه محقق ساخته و روش تکمیل آن مصاحبه حضوری است. روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای و روش تعیین حجم نمونه کوکران،

با حجم نمونه ۲۵۵ نفر است. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از تحلیل عاملی و برای پایایی آن از آزمون کرونباخ آلفا استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نشان می‌دهد که: ۱- میانگین نمره جهت گیری ارزشی پاسخگویان در یک طیف (۰ الی ۲۰۴) معادل ۱۵۲ با انحراف معیاری معادل ۲۰ گویای نمره جهت گیری ارزشی بالایی است. ۲- بین سطح تحصیلات، وضعیت مالی، وضع فعالیت، احساس امنیت، احساس امید به زندگی، میزان استفاده از اینترنت با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد. ۳- آزمون تفاوت میانگین نشان داد که میانگین نمره جهت گیری ارزشی با توجه به جنسیت دارای تفاوت معنی داری است.

**واژه‌های کلیدی:** جهت گیری ارزشی، توسعه انسانی در سطح خرد، تحول ارزشی، عوامل ساختاری.

### مقدمه و بیان مسأله

جهان امروز، جهانی است با شیوه‌های متعدد زندگی که تعریف واحدی از ارزش وجود ندارد، زیرا از یک سو، ارزش‌ها محصول رفتار فرد هستند. توسعه و زمینه‌ها و پیامدهای فرهنگی و ارزشی آن از محوری‌ترین مباحث در مطالعات توسعه است، اینکه چه ارتباطی بین توسعه و زمینه‌های فرهنگی - به ویژه ارزش‌ها و نگرش‌های افراد - وجود دارد، در دهه‌های اخیر مد نظر پژوهشگران اجتماعی بوده است. پیمایش جهانی ارزش‌ها که از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شده است، کانون توجه خود را به این مبحث کشانده است. مطالعات جامعه‌شناسان کلاسیک، همچون "وبر" و "دورکیم" و در دهه‌های بعد "مک کله لند"، "راجرز" و... ارتباط تغییر و تحولات اقتصادی و فرهنگی را بیشتر نشان می‌دهد. در جامعه ایران، در بسیاری از شاخص‌های زندگی فردی و اجتماعی، تغییرات کم و بیش گسترده‌ای رخ داده است، بنابراین متعاقب آن تغییرات در حوزه فکری و فرهنگی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، زیرا اداره زندگی مدرن و توسعه یافته، مستلزم نوعی تغییر نگرشی، ارزشی و هنجاری نیز خواهد بود. از نظر جامعه‌شناسی و روانشناسی، تغییر بینش و نگرش‌ها متقدم، متأخر یا همگام با تغییرات در شاخص‌های زندگی فردی و اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است. این دگرگونی‌ها مستلزم وفاداری و تعلق کمتر به گروه‌های اولیه و بی‌میانجی (همانند خانواده، ده، قوم و قبیله، به طور کلی خاص گرای)، و تعلق بیشتر به گروه‌بندی‌های ثانویه، بزرگتر و غیرشخصی‌تر (چون طبقه و ملت و به

طور کلی عام‌گرایی) است. این دگرگونی‌ها با اتکای به ارزش‌های عام‌گرایانه و عقلانی و علم‌گرایانه و دمکراتیک و پذیرش معیارهای اکتسابی در تصاحب موقعیت‌های شغلی متعدد عرصه نوین اجتماعی نیازمند است. سؤال اساسی این است که تا چه میزان در زمینه تغییر و تحولات فرهنگی و ارزشی جامعه خود آگاهی هست و این تغییرات را رصد می‌شود؟ پیامدهای توسعه، تغییر و تحول در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی، حتی سیاسی، در جوامع گوناگون از جمله، جامعه ما بوده است. تغییرات در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تا حدود زیادی عینی و قابل مشاهده است، اما در زمینه‌های فرهنگی و ارزشی که لایه‌ای پنهانی تر در ساختار جامعه است، تا چه میزان شناخت وجود دارد؟ در دهه‌های اخیر که کشور در فرآیند تغییر و تحولات توسعه قرار گرفته، به دنبال آن، ارزش‌ها و باورهای جامعه تا چه میزان دستخوش تحولات شده‌اند؟

این پژوهش در پی آن است که رابطه بین شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه انسانی همچون؛ سواد، احساس امید به زندگی، وضعیت شغلی و شاخص‌هایی مثل: استفاده از منابع جدید اطلاعاتی (اینترنت) - که از شاخص‌های نوین توسعه است - را با جهت‌گیری ارزشی افراد در زمینه‌های یاد شده کشف کند. به عبارت دیگر برای شناخت ارتباط بین ارزش‌ها و نگرش‌ها و توسعه، این پژوهش، در خصوص جهت‌گیری ارزشی در ارتباط با وضعیت توسعه انسانی در میان جامعه آماری هدف‌گذاری شده است. آگاهی از کم و کیف سوگیری‌های ارزشی افراد، در واقع آگاهی از کم و کیف ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و حیات آنها نیز است.

توسعه و پیامدهای فرهنگی و ارزشی آن از محوری‌ترین مباحث در مطالعات توسعه است. یکی از اصلی‌ترین و مهمترین ابعاد توسعه، توسعه انسانی است که فرد را در محور فرآیند توسعه قرار می‌دهد، تأکید این نوع توسعه، بر روی شاخص‌هایی چون امید به زندگی، تحصیلات و سطح معاش آبرومند است (از کیا، ۱۳۸۰: ۱۸-۲۶). نظریه پردازانی که بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی توسعه تأکید دارند، توسعه را دست‌یابی فزاینده انسان به ارزش‌های مادی و فرهنگی خاص توسعه می‌دانند، به عبارت دیگر، توسعه و فرهنگ یا درمعنای محدودتر آن، توسعه و ارزش‌ها در ادبیات نوین توسعه از جایگاه اصلی برخوردار است.

جهت گیری ارزشی، نگرش و کنش های افراد را مشخص می کند. کنشگر اجتماعی، هنجارها و ناهنجاری ها را با محک ارزش هایی که به آنها معتقد است می سنجد و در جهت گیری ارزشی خود نشان می دهد. در جوامع صنعتی غرب، تغییرات فرهنگی و ارزشی در روند تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی تعقیب می شود و براساس آنها، برای حال و آینده برنامه ریزی می شود. تغییرات در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تا حدود زیادی عینی و قابل مشاهده است، اما در زمینه های فرهنگی و ارزشی - که لایه ای پنهانی تر در ساختار جامعه است، - نیازمند مطالعات عمیق تری است.

واقعیت امروز جامعه، توسعه ای است که به هر صورت اتفاق افتاده، توسعه ای که در فرآیندی پویا در حیات اجتماعی جوامع اجتناب ناپذیر است، هرچند ممکن است زمینه و موانع و پی آمدهای آن یکسان نباشد، این امر تحولات و دگرگونی ها و تغییرات ساختاری در هر جامعه ای از جمله در جامعه ایران داشته خواهد داشت. به دنبال آن قطعاً ذهنیت و تفکر افراد در زمینه ارزش ها و باورهای آنان نیز دستخوش تغییر و تحولات می شوند. در هر حال توسعه، در ابعاد گوناگون از جمله در زمینه های اقتصادی - اجتماعی زندگی مردم در شاخص هایی چون، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی، میزان درآمد، احساس امید به زندگی و... اثر می گذارد. بر همین اساس باید دانست که جهت گیری ارزشی افراد چه ارتباطی با شرایط اقتصادی - اجتماعی آنان دارد؟ آیا تفاوت معنی داری بین افراد از نظر وضعیت آنان در این شاخص ها و جهت گیری ارزشی شان وجود دارد؟ جهت گیری ارزشی مردم کدام سمت و سو را نشان می دهد؛ یعنی از نظر شاخص های ارزشی تا چه میزان سازگار با توسعه یا ناسازگار با توسعه هستند؟ در اینجا مقصود از جهت گیری ارزشی این است که مردم به طرف کدام ارزش ها تمایل بیشتری نشان می دهند، مثلاً ارزش های عقلانی، عام گرایانه، دمکراتیک و علم گرایانه، به عنوان ارزش های مطلوب در امر توسعه، برای آنان اهمیت بالاتری دارد یا ارزش های غیر عقلانی و خاص گرایانه و غیر دمکراتیک و فاقد نگرش علمی، که به عنوان ارزش های مانع در راه توسعه تلقی می شوند؟

## هدف کلی پژوهش

تعیین میزان رابطه بین شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه انسانی ساکنان شهرهای لاهیجان و سیاهکل (سطح خرد) با جهت‌گیری ارزشی آنان

## اهداف پژوهش

- تعیین میزان رابطه بین تحصیلات افراد و جهت‌گیری ارزشی آنان
- تعیین میزان رابطه بین وضعیت شغلی افراد و جهت‌گیری ارزشی آنان
- تعیین میزان رابطه بین وضعیت مالی افراد و جهت‌گیری ارزشی آنان
- تعیین میزان رابطه بین احساس امید به زندگی در نزد افراد و جهت‌گیری ارزشی آنان
- تعیین میزان رابطه بین احساس امنیت نزد افراد و جهت‌گیری ارزشی آنان
- تعیین میزان رابطه بین استفاده از اینترنت توسط افراد و جهت‌گیری ارزشی آنان
- تعیین میزان رابطه بین جنسیت افراد و جهت‌گیری ارزشی آنان
- تعیین میزان رابطه بین سن افراد و جهت‌گیری ارزشی آنان

## سؤالات پژوهش

### سوال اصلی

آیا بین شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه انسانی ساکنان شهرهای سیاهکل و لاهیجان (سطح خرد) با جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه وجود دارد؟

### سؤالات فرعی

- آیا بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت شغلی پاسخ‌گویان و جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت مالی پاسخ‌گویان و جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین احساس امید به زندگی در پاسخ‌گویان و جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه وجود دارد؟

آیا بین احساس امنیت و جهت‌گیری ارزشی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد؟

آیا بین میزان استفاده از اینترنت توسط پاسخ گویان و جهت گیری ارزشی آنان رابطه وجود دارد؟

آیا بین جنسیت و جهت گیری ارزشی پاسخگویان رابطه وجود دارد؟  
آیا بین سن و جهت گیری ارزشی پاسخگویان رابطه وجود دارد؟

### پیشینه پژوهش

"رونالد اینگلهارت" را می توان از پیشگامان پژوهش در کیفیت تحول ارزشی در جوامع معاصر دانست. تحت نظارت او، سه موج پیمایش جهانی ارزش ها در ۶۵ کشور جهان اجرا شد و در آن ۷۵ درصد جمعیت جهان در شاخص هایی از ارزش های مادی و فرامادی مورد مطالعه قرار گرفتند. او نتیجه می گیرد؛ همراه با توسعه کشورها از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و حرکت جامعه سنتی به مدرن، تغییراتی در ارزش ها و فرهنگ آنان به وجود می آید و در واقع ارزش های نوینی با محوریت ارزش هایی همچون عقلانیت، اعتماد و ساز و کارهای مشارکتی و دمکراتیک پیدا می شود. وی معتقد است، حرکت به سوی ارزش های فرامادی گرایی، خطی و ساده نبوده و شرایط جوامع در این زمینه دخیل هستند.

"رونالد اینگلهارت"<sup>۱</sup> در مقدمه کتاب "تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی"<sup>۲</sup> می نویسد: تغییرات در سطح سیستم (توسعه اقتصادی، افزایش تحصیلات، ...) باعث تغییراتی در سطح فردی شده است. نتایج پیمایش ها نشان می دهند که جوامع پیشرفته صنعتی به سوی تحول تدریجی از تاکید بر امنیت اقتصادی و جانی به تاکید بیشتر بر تعلق و دل بستگی به دیگران، ابراز نظر فردی و کیفیت زندگی پیش می روند. علت این تحول را می توان در سطح بی سابقه امنیت اقتصادی و جانی که به طور کلی پس از جنگ جهانی دوم در این کشورها گسترش یافته است و نیز ظهور دولت رفاه عمومی جستجو کرد. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۴). ارزش های هجده گانه "راکیچ" یعنی: رستگاری، زندگی آسوده، عشق کامل، امنیت ملی، دنیایی زیبا، وفاق داخلی، حرمت نفس، برابری، رفاه خانواده، زندگی پر هیجان، لذت، تایید اجتماعی،

1 Ronald Inglehart

2 Culturs Shift in Advanced Industrial Society

خوشبختی، آزادی، دوستی واقعی، صلح جهانی، خرد و احساس رضایت از کار و...، با ارزش‌های دوازده گانه‌ای که اولویت‌های مادی و فرامادی "اینگلهارت" را مورد سنجش قرار می‌دهد، تا حدود زیادی مترادف است، پارامترهایی که "اینگلهارت" به عنوان معیار مقایسه جهت ثبات ارزش‌های مادی و فرامادی آنها را مورد مقایسه قرار داده است، توسط گروه "اینگلهارت" در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۸۱، توسط مرکز پژوهش دانشگاه میشیگان در میان ۹۳۳ نفر از دانشجویان به روش مصاحبه مورد سنجش از حیث اولویت‌های ارزشی هجده گانه واقع شده اند. "اینگلهارت" می‌نویسد: ضرایب آزمون - باز آزمون دانش آموزان دبیرستانی که توسط راکیچ صورت گرفته، تقریباً به همان اندازه ضرایبی است که در میان دانشجویان مشاهده گردیده است. در مجموع شش ارزش به ترتیب شامل؛ صلح جهانی، رفاه خانواده، آزادی، خوشبختی، حرمت نفس، خرد و برابری، در سال‌های ۱۹۶۸، ۱۹۷۱، ۱۹۷۴ و ۱۹۸۱ از اولویت‌های اولیه پاسخگویان در میان ارزش‌های هجده گانه فوق بوده اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۳۳). "اینگلهارت" در مورد متغیرهای اثر گذار در این تحول فرهنگی و ارزشی معتقد است؛ بنا بر فرضیه‌های امنیت سازنده، شاخص‌های امنیت سازنده یعنی؛ سطح حرفه‌ای و سطح تحصیلات پدر، سطح تحصیلات مادر و سطح تحصیلات خود فرد، به عنوان پس زمینه اجتماعی، عامل موثری در ارزش‌هایشان است. سطح تحصیلات والدین قوی ترین شاخص پیشگویی کننده این متغیر پنهان است. در واقع در مورد فرزندان تحصیل کرده تر، امنیت سازنده نقش به سزایی در اولویت‌های ارزشی فرد دارند. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۳۸). امنیت اقتصادی احساس عمومی رضایت از زندگی را در جامعه افزایش داده و به تدریج باعث پدید آمدن یک هنجار فرهنگی نسبتاً عالی می‌شود. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۳). اعتماد به یکدیگر هم مانند رضایت از زندگی و خوشبختی با سطوح نسبتاً بالای توسعه اقتصادی متناسب است (همان: ۳۹). تحصیلات فرد شاخص دیگری از موقعیت و امنیت اقتصادی است و تحلیل ارزش‌ها برحسب تحصیلات اثبات می‌کند که افراد هرچه تحصیل کرده تر باشند بیشتر فرامادی هستند. رابطه سنخ ارزشی با تحصیلات حتی قوی تر از رابطه آن با شغل است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۷۸). یافته‌ها نشان می‌دهد که ثروت یا تحصیلات بالا، تاثیر ناچیزی بر میزان رضایت از زندگی در افراد دارد. به گونه حیرت انگیزی اختلاف اقتصادی - اجتماعی کمی در احساس سعادت می‌یابیم. باید گفت، اینگونه نیست که افراد مرفه خوشبخت تر و از زندگی راضی تر باشند به عبارت دیگر پول خوشبختی

نمی‌آورد. ملیت قویترین متغیر پیش‌گویی‌کننده خوشبختی و رضایت است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۷۶).

"فراری اکچینورو" (۲۰۰۰)، نیز در پژوهشی تغییر ارزشی را در بین نسل‌های مختلف (والدین و فرزندان)، در ایتالیا به بررسی کشانده است. پژوهش یاد شده نتیجه می‌گیرد که جریان متوسطی از دنیوی شدن می‌تواند برای نسل جوان مورد توجه قرار گیرد. (میر فردی، ۱۳۸۷؛ به نقل از فراری، ۲۰۰۰)

علاوه بر این، محققین مطالعات زیادی در حوزه فرهنگ، توسعه و تغییرات انجام داده‌اند، که از جمله می‌توان به مطالعات کسانی چون (مهمانوا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳)، (پورتر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰)، (نی و تامپسون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹)، (ریچاردز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶)، (اینگلهارت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷)، (هیلاس و همکاران<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶)، (بک و همکاران<sup>۷</sup>، ۱۹۹۴)، (استر و همکاران<sup>۸</sup>، ۱۹۹۳) و (یونسکو<sup>۹</sup>، ۱۹۹۴)، اشاره کرد. (میر فردی: ۱۳۸۷)

"دانیل لرنر"<sup>۱</sup> از نظریه پردازان حوزه نظریه‌های نوسازی روانی است که طی مطالعه‌ای متمرکز بر شش کشور خاورمیانه (ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و سوریه). نتایج پژوهش‌های خود را در کتابی با عنوان "گذار از جامعه سنتی، نوسازی خاور میانه"<sup>۲</sup>، به چاپ رسانده است. "لرنر" در پژوهش‌های خود به این نتیجه می‌رسد که؛ فرد نوگرا که برخوردار از سواد، شهر نشینی، وسایل ارتباط جمعی و همدلی است بالاترین میزان و درجه فکر و اندیشه نوگرایی را دارد و بعکس فرد سنتی که فاقد هر یک از متغیرهای یاد شده است، پایین‌ترین درجه فکر و اندیشه نوگرایی را دارد. "لرنر" در مطالعه میدانی خود در کشورهای یاد شده خاورمیانه، نتیجه می‌گیرد که در دهه ۱۹۶۰ ترکیه بیشترین و ایران کمترین توان و ظرفیت را برای تجدد و نوگرایی دارند. (از کیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱۱ و ۲۰۶).

از دیگر جامعه‌شناسانی که به ابعاد روانی تغییر اجتماعی و نوسازی توجه دارند، "اینکلس و اسمیت"<sup>۳</sup> هستند. آنان نقطه شروع تجدد و نوشدن را در نوسازی فکری و فرهنگی و هدایت درست جهت‌گیری ارزشی آنان می‌دانند و انسان نوین را فراهم‌کننده توسعه اقتصادی،

1 Daniel Lerner

2 The Passing of Traditionel Society, Modernization The Middle East. Free Press New York. 1964.

3 Inkles & Smith



سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانسته، برای او ویژگی‌ها و معیارهایی را بر می‌شمارند. آنان در دهه ۱۹۶۰ برای آزمون تجربی اندیشه‌های خود در شش کشور در حال توسعه از قاره‌های مختلف جهان یعنی (پاکستان، آرژانتین، شیلی، هند، نیجریه و اسرائیل) به پژوهش می‌پردازند که حاصل آن کتابی است به نام "مدرن شدن". کار پژوهش آنها، کاری پیمایشی با استفاده از تکنیک پرسش نامه بوده که از هریک از کشورهای فوق از ۱۰۰۰ مرد که بین ۲۰ تا ۳۰ سال داشتند نمونه‌گیری شد. (حجم نمونه بیش از ۵۵۰۰ نفر بود) این تعداد شامل کارگران صنعتی، کارگران غیر صنعتی شهری و روستائیان بودند که با هریک از این افراد چهار ساعت مصاحبه شد. تحلیل اولیه نشان داد که تجدد فردی با: تحصیلات، تحصیلات پدر، تجربه کاری در کارخانه، تخصص، درآمد، شهر نشینی و استفاده از رسانه‌های مختلف رابطه دارد. برتری و اهمیت تحصیلات در تحلیلی مفصل تر با کمک روش‌های همبستگی جزیی - که برای تفکیک هریک از عوامل موثر تعیین شده بودند - مورد تأیید قرار گرفت. تأثیر عامل سکونت در شهر به تنهایی در متجدد کردن فرد در کشورهای مورد مطالعه، به جز کشور نیجریه، صفر بوده و مولفان نتیجه می‌گیرند که تجربه شهر نشینی فی نفسه افراد را متجدد تر نمی‌کند، بلکه ارتباط، رسانه‌های جمعی و کار در نوسازی فردی موثرند. در نهایت آنها نتیجه گرفتند، که نوسازی فردی را می‌توان در تحت چهار عنوان عمده خلاصه کرد؛ یعنی ویژگی‌های متمایز کننده افراد متجدد عبارت بود از اینکه آنها شهروندان آگاه و فعالی بودند، احساس کارایی شخصی در آنها محسوس بود، در روابط خود با مراجع سنتی قدرت کاملاً مستقل بودند و بدون دخالت دادن اراده دیگران عمل می‌کردند، همیشه آماده کسب تجارب جدید و شنیدن نظرات دیگران بودند و به عبارت دیگر نسبتاً روشنفکر و از لحاظ فکری قابل انعطاف بودند. (از کیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۱۲ و ۲۱۶). "سو" معتقد است، محورهای پژوهشی مورد علاقه "اینکلس" بررسی تاثیر نوسازی برنگرش‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی انسان است. مطالعات تطبیقی او در کشورهای یاد شده بدین خاطر بود که این کشورها در درجات متفاوتی از نوسازی - از غیر صنعتی تا صنعتی - قرار داشتند. "اینکلس" خود به انجام مصاحبه با شش هزار نفر در این کشورها مبادرت کرد. او به تنظیم پرسش نامه‌ای طولانی با بیش از سیصد سؤال که تکمیل آن

به طور متوسط سه ساعت زمان می‌خواست، پرداخت و برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش خود به تنظیم یک مقیاس مدرج تجدّد گرایي از صفر تا صد، دست زد تا بتواند این الگوی شخصیتی را در میان "انسان‌های متجدّد" اندازه بگیرد.

یکی از با نفوذترین و شناخته شده ترین تلاشها برای تحلیل ارزش‌های انسانی به وسیله روش زمینه یابی، کار "راکیچ" (۱۹۶۸، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴) بوده است. ارزش‌های "راکیچ" به طور کلی جنبه شخصی دارند. [یعنی از جنبه شخصی به تغییر ارزش‌های مادی به فرامادی نگریسته می‌شود]، در حالی که ارزش‌های "اینگلهارت" به اولویت‌های سیاسی-اقتصادی مربوط است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۳۲). می‌توان گفت؛ ارزش‌های هیجده گانه‌ای که توسط "راکیچ" به پیمایش کشیده شد، پیمایش ارزش‌های دوازده گانه اینگلهارت را به دنبال داشته است.

چنانچه در بخش نظریه‌های مرتبط با پژوهش گفته شد؛ "کاهل" در کار پژوهشی خود تحت عنوان؛ مطالعه ارزش‌ها در برزیل و مکزیک (۱۹۶۸)، چهار عامل اولویت شغل، اعتماد، فعال بودن و اتحاد با بستگان را به عنوان شاخص‌های گرایش به پیشرفت در نظر می‌گیرد. از روی رساله دکتری "میشل ای. لسورت"، استنباط می‌شود که با اعمال فرمول پیشگویی اسپیرمن-براون برای تصحیح، ضریب پایایی اولویت شغل ۰/۸۱، اعتماد ۰/۹۴، تسلط (فعال بودن) ۰/۹۴ و خانواده‌گرایی (که تفاوت معنی داری با اتحاد با بستگان دارد) ۰/۸۶ به دست آمده است (میلر، ۱۳۸۷: ۵۴۰).

از شاخص‌ترین پیمایش ارزش‌ها در ایران می‌توان به پیمایش، "سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان" در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ که نتایج آن در ۳۰ جلد توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است، اشاره کرد "معید فر" معتقد است؛ که جوانان در بسیاری از ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به این پیمایش‌ها از جمله: آینده ارزش‌های اجتماعی، پیگیری اخبار کشور، اعتماد به مردم، نگرش نسبت به آینده، خوش بینی، وجدان کاری در جامعه و... بدین تر از بزرگسالان هستند. در کل جمعیت، میزان اعتماد به مردم به شدت پایین است، در واقع میانگین اعتماد زیاد به مردم چیزی حدود ۱۵ درصد است. پایین بودن میزان اعتماد به مردم، به خاطر عدم تعادل نظام و محیط و عدم کارایی ارزش‌های اجتماعی وزیر

سؤال رفتن این ارزش‌هاست، ولی در جوانان این بی‌اعتمادی بیشتر است (معیدفر، ۱۳۸۷: ۲۲۷).

پیمایشی که توسط "غفاری" در رساله کارشناسی ارشد خود و به راهنمایی "دکتر آزاد ارمکی" در سال ۱۳۸۳ در مورد تفاوت‌های ارزشی نسل‌ها نسبت به یکدیگر و نیز میزان وجود ارزش‌های مادی گرایانه و غیر مادی گرایانه در آنها و نوع نگاه به مقوله‌هایی چون حضور و مشارکت زنان در جامعه، فردگرایی، مشارکتی بودن، سنت گرا بودن، و ملیت‌گرایی در آنها و تأثیر متغیرهایی چون میزان تحصیلات، وضعیت شغلی، درآمد و وضعیت طبقاتی، محل سکونت، جنسیت و وضعیت تأهل بر هر یک از تفاوت‌های یادشده صورت گرفته است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

"اصغر میر فردی"، در رساله دکتری خود با عنوان، "جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی توسعه انسانی در ایران (مطالعه موردی شهرهای شیراز و یاسوج از استان فارس)"، با پرسش نامه استاندارد، به بررسی رابطه بین شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی یعنی: میزان درآمد، میزان تحصیلات و میزان امید به زندگی با جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان پرداخته است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، سطح تحصیلات، سطح تحصیلات والدین، منزلت شغلی، احساس امید به زندگی در افراد و همچنین پایگاه اقتصادی و قدرت مالی خانواده افراد با جهت‌گیری ارزشی آنان همبستگی مثبت دارد. در رابطه با وضع فعالیت و جهت‌گیری ارزشی افراد، یافته‌ها حاکی است که محصلین و بیکاران به ترتیب بیشترین و کمترین نمره جهت‌گیری ارزشی را کسب کرده‌اند. دارندگان مشاغل دولتی جهت‌گیری ارزشی بالاتری نسبت به دارندگان مشاغل غیر دولتی دارند (میرفردی، ۱۳۸۷).

"ملکی"، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود، موضوع ارزش‌ها را در شرایط خانوادگی بررسی کرده است. روش پژوهش، پیمایشی و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه همراه با پرسش‌نامه بوده است و برای سنجش گرایش‌های ارزشی از دو طیف مطالعه ارزش‌های (آپورت) و سنجه دوازده ارزشی (اینگلهارت)، استفاده شده است. این پژوهش با عنوان: بررسی رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان (دانش‌آموزان ذکور سال سوم رشته‌های ریاضی، فیزیک و علو تجربی تهران در سال تحصیلی (۷۵-۱۳۷۴)).

نتایج پژوهش حاکی از آن است که، بین پایگاه اجتماعی، اقتصادی خانواده با ارزش‌های زیبا شناختی و ارزش‌های اقتصادی رابطه مستقیم، و ارزش‌های مذهبی رابطه معکوس وجود دارد و ارزش‌های سیاسی یکسان، بوده است. ارزش‌های علمی و اجتماعی با توجه به رتبه بندی طبقات (پایین، متوسط، بالا)، تفاوت‌هایی در برخی دسته بندی‌ها دیده می‌شود. در مجموع اولویت‌های ارزشی همه نوجوانان بیشتر مادی است و تفاوت معنی داری از این جهت بین نوجوانان طبقات مختلف وجود ندارد (ملکی: ۱۳۷۵).

"احمد غفاری"، مدرس مراکز پیش دانشگاهی شهرستان مشهد، طی پژوهشی با عنوان: "بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان بر جهت گیری ارزشی آنان"، از تعداد ۳۵۵ نفر از دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی و از طریق پرسشنامه نیمه استاندارد همراه با مصاحبه اطلاعات مورد نظر جمع آوری گردید. آزمون فرضیات نشان داد که متغیرهای پایگاه اقتصادی والدین، شامل: پایگاه اجتماعی مادر، منطقه سکونت، سن پاسخگویان، طبقه اقتصادی (ذهنی) و میزان برخورداری از امکانات زندگی بر متغیر وابسته پژوهش (جهت گیری ارزشی دانشجویان)، تأثیر می‌گذارد. متغیرهای دیگر از جمله: رشته تحصیلی، برتری تحصیلی، شغل و درآمد، بر متغیر وابسته مؤثر نبوده است (غفاری، ۱۳۸۵).

"ابراهیم حقیقی" در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان: "اولویت‌های ارزشی دانش آموزان و عوامل مؤثر بر آن". محور کار خود را پیدا کردن اولویت ارزشی دانش آموزان نسبت به ارزش‌های مادی و غیرمادی قرارداد است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دبیرستانهای شهرستان فردوس استان خراسان رضوی، با حجم نمونه ۲۱۶ نفر است. این پژوهش به روش پیمایشی صورت گرفته و ارزش‌های دوازده گانه اینگلهارت را مورد پرسش قرار داده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین و افزایش سطح تحصیلات والدین، ارزش‌های مادی در دانش آموزان اولویت می‌یابد (نمایه پژوهش: ۱۳۸۰).

در پژوهشی که "توکلی" به بررسی تفاوت در ارزش‌ها و نگرش‌های میان مادران و دختران جوان با موضوع شکاف نسلی داشته، در بیشتر ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها مادران موضع مشابهی با دختران جوان داشته اند و شکاف نسلی میان مادران و دختران وجود ندارد. بیش از آنکه تضاد

میان نسلها در سطح ارزش‌ها ملاحظه شود، وفاق و همگرایی وجود دارد. در واقع در سطح ارزش‌های دونسل همگرایی وجود دارد (معیدفر، ۱۳۸۷: ۱۵۳؛ توکلی، ۱۳۸۲).

"سعادت"، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود، با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسش نامه (طیف لیکرت)، مراتب ارزش‌های مورد توجه جوانان شاغل به تحصیل ۱۷ الی ۲۵ ساله شهرستان قوچان در سال تحصیلی چهارم متوسطه و بالاتر را مورد سنجش قرار داده است. مطالعه وی نشان می‌دهد که ۷۴/۷ درصد افراد، سلسله مراتب ارزش‌های مورد نظر (علم، تعهد، قدرت و ثروت) را تا حد زیاد و ۲۵/۳ درصد در حد کم پذیرفته اند (سعادت: ۱۳۷۵).

در پژوهش "مریم اولادی" در دانشگاه اصفهان، با عنوان "عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر نظام ارزشی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان در مقایسه با والدین آنها" حاکی از آن است که؛ بین سواد والدین، شغل والدین، خاستگاه اجتماعی والدین، نوع ارتباط با گروههای اجتماعی و میزان استفاده از کالاهای فرهنگی با اولویت ارزشی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد (میرفردی، ۱۳۸۷).

در پژوهش "حسین دهستانی اسفند آبادی"، (دانشگاه شیراز) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی دانش‌آموزان بر جهت‌گیری ارزشی آنها پرداخته است و با استفاده از نظریه‌های "کوهن" و "اینگلهارت"، تأثیر شاخص‌هایی چون، شیوه تربیتی خانواده (همنوایی- خودرهبی)، احساس امنیت، استفاده از وسایل رفاهی، وسایل ارتباطی نوین و منزلت شغلی والدین را بر جهت‌گیری ارزشی دانش‌آموزان از تعداد ۵۹۴ نفر از حجم نمونه جامعه آماری مورد پیمایش قرار داده است. نتایج نشان داد که بر روی طیف جهت‌گیری ارزشی باز ۸۰ درصد در حد متوسطی بوده اند، ضمن آنکه تمام فرضیه‌های پژوهش تأیید شده است (میرفردی، ۱۳۸۶).

در پژوهش "داوود فرامرزی" در دانشگاه تربیت مدرس، در مورد "بررسی ساختار و اولویت‌های ارزشی دانشجویان" با این سؤال که: آیا دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس دارای اولویت‌های ارزشی محافظه‌کارانه می‌باشند یا خیر؟ در این پژوهش پیمایشی، محقق پس از انتخاب تعداد ۱۸۶ نفر از بین دانشجویان به روش سهمیه‌ای و تلخیص نتایج، نشان داد که توجه به ماورای خود با ۷۷ درصد، توجه به محافظه‌کاری خود با ۶۹ درصد، توجه به پیشبرد اهداف

شخصی خود با ۴۸ درصد و تمایل به تغییرات با ۴۵ درصد، سلسله مراتب نظام ارزشی دانشجویان را تشکیل می‌دهد (فرامرزی، ۱۳۸۴).

در پژوهش "کاوه تیموری" در دانشگاه علامه طباطبایی، در مورد "بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران"، نتایج حکایت از آن دارد که فرضیه‌های پژوهش یعنی بین گرایش به ارزش‌های اجتماعی پسران، گرایش به ارزش‌های مذهبی پسران و پایگاه اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. با بالا رفتن پایگاه اجتماعی، گرایش به ارزش‌های هنری و ارزش‌های سیاسی آنان افزایش می‌یابد (تیموری، ۱۳۸۴).

### مبانی نظری پژوهش

تالکوت پارسنز: جهت‌گیری ارزشی بر اساس متغیرهای الگویی

از نظر "پارسنز" جهت‌گیری ارزشی افراد بر اساس متغیرهای الگویی، راهنمای عمل افراد در هر موقعیتی است. (سو، ۱۳۷۸: ۳۴). در معنایی دیگر، مفهوم سوگیری یا گرایش [جهت‌گیری ارزشی]. مجموعه‌ای است از آنچه که کنشگر می‌بیند، ارزیابی می‌کند، می‌خواهد یا نمی‌خواهد. "پارسنز" در مبحث متغیرهای الگویی، دوشیوه متفاوت سنتی و نوین جهت‌گیری ارزشی مورد انتظار نظام‌های اجتماعی متفاوت را از فرد نشان می‌دهد. متغیرهای الگویی پارسنز عبارتند از: ۱- عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی نسبت به موضوع، ۲- جهت‌گیری جمعی در برابر جهت‌گیری به سوی خود، ۳- خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی، ۴- کیفیت ذاتی در برابر جنبه عملی (انتسابی در مقابل اکتسابی)، ۵- جزء‌گرایی در مقابل کل‌گرایی که او آنها را به نظریه‌ی نظام اجتماعی پیوند می‌زند. بطور کلی "پارسنز" معتقد است که در جوامع پیشرفته صنعتی، انتخابها بیشتر غیرعاطفی، به سوی خود، جزئی، عام‌گرایانه و اکتسابی است، در حالیکه در جوامع سنتی، بیشتر بر جنبه‌های عاطفی روابط، جهت‌گیری جمع‌گرا، کلی بودن تعهدات، خاص‌گرایی و کیفیات انتسابی تأکید می‌شود (میرفردی، ۱۳۸۷). "ریتزر" به نقل از "پارسنز" می‌نویسد: ترکیب الگوهای جهت‌گیری ارزشی که [به وسیله کنشگران در زمان اجتماعی شدن]، به دست می‌آید، باید تا اندازه زیادی، نتیجه کارکرد ساختار نقش بنیادی

و ارزش مسلط نظام اجتماعی باشد. جامعه دستخوش تکامل باید از نظام انتسابی به سوی یک نظام دستاوردی حرکت کند. بدین سان یک جامعه تمایز یافته تر به یک نوع نظام ارزشی نیاز دارد که، بیانگر سطح بالاتری از عمومیت باشد تا بتواند انواع گسترده تر هدفها و کارکردهای خرده واحدهایش را مشروعیت بخشد. فرد براساس شخصیت شکل گرفته اش ارزش‌ها را رتبه بندی و بر مبنای آنها جهت گیری ارزشی پیدا می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۳۶). نتیجه آنکه؛ جهت گیری ارزشی افراد، که با یکدیگر متباین بوده، در ترکیبات مختلف بیانگر ماهیت روابط میان نقش‌ها در هر جامعه‌ای هستند.

دیدگاه نوسازی روانی: (توسعه عامل تحرک روانی وانگیزی):

نوسازی روانی که در سطح فردی مطرح است اشاره به نوعی تحرک روانی یا ذهنی دارد که طی آن افراد ویژگی‌های روانی، ارزشی، انگیزی و اعتقادی تازه‌ای را کسب می‌کنند (از کیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۶ و ۵۷).

. "از کیا" به نقل از "بنو عزیزی Benno Azizi" می‌نویسد: نوسازی روانی (تجدد روانی)، مفهومی است که به فرآیندهای تغییر در سطوح ارزش‌ها، سبک‌های شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و غیره اطلاق می‌شود که در سایه تجاربی چون اقامت در شهر، رفتن به مدرسه، تماس با رسانه‌های جمعی و استخدام در بنگاه‌های مدرن به دست می‌آید و خود منجر به رفتارهایی می‌شود که دال بر توسعه اقتصادی و سیاسی جامعه است (از کیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

اینکلس و اسمیت: انسان متجدد

. "آلکس اینکلس، درانگاره روانشناختی بر گرایش‌هایی که نوگرایی فرد را موجب می‌شوند تأکید می‌گذارد. از نظر "اینکلس"، انسان نو، شهروندی مشارکت کننده و آگاه است، در برابر انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت کامل می‌کند، مستقل، خودمختار، روشنفکر و قابل انعطاف است" (لهسای زاده، ۱۳۸۱).

از نظر "اینکلس" برخی دیگر از ویژگی‌های مشترک در میان انسان‌های متجدد عبارتند از: داشتن استقلال هرچه بیشتر از چهره‌های صاحب اقتدار یعنی تحت کنترل نبودن، اعتقاد به علم، تحرک گرایي و جاه طلبی و وارد شدن در سیاست مدنی. از نظر "اینکلس" نیز تحصیلات،

مهمترین علامت ارزش‌های نوین و متجدد شدن است و بعد از آن شغل قرار دارد (سو، ۱۳۷۸: ۵۸-۶۰).

اورت راجرز<sup>۱</sup> (مشارکت اجتماعی عامل تسهیل‌کننده و تقدیرگرایی عامل بازدارنده توسعه):  
 "راجرز" شرط لازم توسعه را در متن فرهنگ می‌داند و معتقد است، برخی از فرهنگ‌ها حامل ارزش‌های لازم در توسعه هستند، در حالی که برخی از فرهنگ‌ها نیز به دلیل دارا نبودن چنین ارزش‌هایی از توسعه و پیشرفت و نوآوری محروم هستند. "ازکیا" معتقد است: در میان نظریه پردازان توسعه و نو سازی از "راجرز" می‌توانیم به عنوان جامعه‌شناسی نام ببریم که با تأکید بر متغیرهای فردی و مربوط به نظام شخصیتی افراد، در قالب خرده فرهنگ روستایی به پویای‌های نوگرایی در میان روستائیان پرداخته است.

به اعتقاد "راجرز"، فرآیند قبول یک اندیشه نو که متضمن یادگیری آن اندیشه و هم‌تصمیم‌گیری درباره آن است، در پنج مرحله عینیت می‌یابد که شامل: آگاهی، علاقه، ارزشیابی، آزمایش و قبول آن اندیشه نو، است. به نظر "راجرز" کسانی که اندیشه نویی را سریع می‌پذیرند هریک از این مراحل را نیز با سرعت پشت سر می‌گذارند، این افراد از سایرین جوان‌ترند، پایگاه اجتماعی بالاتری دارند و نیز ثروتمندترند. بعکس کسانی که دیر می‌پذیرند هریک از این مراحل را نیز با کندی پشت سر می‌گذارند. باید گفت: "راجرز" در تحلیل خود متمرکز بر ویژگی‌های فردی، روانی و انگیزشی است و معتقد است که از لحاظ روانی باید نوعی آمادگی در افراد برای پذیرش تغییرات نو وجود داشته باشد که آنها را تحت عنوان «وجه نظرها»<sup>۲</sup> مطرح می‌کند. از نظر "راجرز" عناصری که مانع تجدد و نو سازی هستند عبارتند از: (۱) عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، (۲) فقدان نو آوری، (۳) تقدیرگرایی، (۴) پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، (۵) عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آنی، (۶) عدم توجه به عنصر و اهمیت زمان، (۷) خانواده‌گرایی، (۸) وابستگی به قدرت دولت، (۹) محلی‌گرایی و (۱۰) فقدان همدلی. (ازکیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

شوارتز: لذت جویی، تحریک و انگیزش، خود رهبری، سه عامل مؤثر در امر توسعه

1 Evert Rogers

2 Attitudes



"شوارتز" منبع تمام ارزش‌هایی که در جامعه وجود دارد را به سه گروه شامل، ارگانسیم فرد، بقای گروه و لوازم و وسایل کنش متقابل تقسیم می‌کند. وی بر این اساس شش دسته کلی از ارزش‌ها را ارائه می‌کند. این ارزش‌ها شامل دو دسته اند: ارزش‌های دسته اول (لذت جویی، تحریک و انگیزش، خودرهبی)، و ارزش‌های دسته دوم (سنت، همنوایی و امنیت)، می‌باشند. سه دسته اول مربوط به ارزش‌های باز برای تغییر و سه دسته دوم مربوط به ارزش‌های محافظه کارانه است. به باور "شوارتز" منبع ارزش‌های (لذت جویی، تحریک و انگیزش) عامل ارگانسیم است. منبع ارزش (خودرهبی) دو عامل، ارگانسیم و کنش متقابل است. منبع ارزش‌های (سنت و همنوایی گروه)، دو عامل، گروه و کنش متقابل است و بالاخره، منبع ارزش (امنیت)، سه عامل، کنش متقابل، گروه و ارگانسیم، هستند (میرفردی، ۱۳۸۷؛ شوارتز، ۱۹۹۴: ۲۴). به عبارت دیگر، ارزش‌هایی که با لذت جویی افراد در ارتباط باشد و انگیزه آنان را بالا برده و در آنها حس اعتماد به نفس یا خود رهبری پدید آورد، از جمله ارزش‌هایی هستند که جامعه را در مسیر توسعه رهنمون می‌شوند و بالعکس، ارزش‌های سنتی و ارزش‌هایی که در جهت حفظ موجود و هماهنگی با دیگران باشد، به عنوان ارزش‌های باز دارنده در امر توسعه تلقی می‌شوند.

رونالد اینگلهارت<sup>۱</sup>: بازگشت به ارزش‌های فرامادی در شرایط امنیت اقتصادی

حدود چهاردهه پیش (۱۹۷۱)، "اینگلهارت"، نظریه‌ای درباره دگرگونی ارزشی مطرح کرد که پیش‌بینی می‌کرد ارجحیت‌های ارزشی در جوامع پیشرفته صنعتی میل به دگرگونی از ارزش‌های مادی گرایانه معطوف به امنیت جسمی و اقتصادی به سوی تأکید بیشتر بر آزادی، خود بیانگری و کیفیت زندگی، یا ارزش‌های فرامادی گرایانه دارد. اینگلهارت در فرضیه دگرگونی ارزشی نشان می‌دهد که تحول از ارجحیت‌های مادی به فرامادی، بالقوه فرآیندی جهانی است و می‌گوید: این دگرگونی باید در هر کشوری که از شرایط عدم امنیت اقتصادی به سوی شرایط نسبتاً امن حرکت می‌کند، رخ نماید. "اینگلهارت" در کتاب تحول فرهنگی در جوامع صنعتی، تاحدودی رویکردی کارکردی و کل‌گرایانه و سازه‌گرایانه به توسعه اقتصادی و فرهنگ دارد. به اعتقاد او توسعه اقتصادی جوامع صنعتی منجر به رسیدن این جوامع به سطح

معینی از رفاه شده، به طوریکه نیازهای زیستی و اولی به نحو کامل پاسخ داده شده است. این امر تحوّل فرهنگ این جوامع از ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی را فراهم نموده است و این تحوّل ارزشی در روند توسعه برای همه جوامع اجتناب ناپذیر است.

دیدگاه "اینگلهارت" درباره تغییر اجتماعی مبتنی بر تغییر ارزش‌ها به ویژه تغییر ارزشی بین نسلی است، که دو فرض بنیادی دارد: الف) فرضیه کمیابی، یعنی اولویت‌های یک فرد محیط اقتصادی و اجتماعی او را منعکس می‌کند. ب) فرضیه جامعه پذیری، که براساس آن رابطه میان محیط اقتصادی- اجتماعی و اولویت‌های ارزشی یک سازگاری آنی نیست، بلکه متأثر از شرایط جامعه پذیری فرد است.<sup>۱</sup>

از نظر "اینگلهارت" پس از جنگ جهانی دوم به علت امنیت بی سابقه اقتصادی نوعی تغییر بین نسلی از ارزش‌های مادی به فرامادی در جوامع غربی، رخ داده است و جوانها بیش از افراد مسن بر اهداف فرامادی تأکید دارند، "اینگلهارت" معتقد است: اصطلاح «فرامادی گرایی بر مجموعه اهدافی دلالت دارد که پس از دست یابی مردم به امنیت مادی مورد تأکید قرار می‌گیرند. در حالیکه فروپاشی امنیت اقتصادی به بازگشت و تغییر تدریجی به سمت اولویت‌های مادی منجر می‌شود. از نظر "اینگلهارت"، فرامادی گرایان امنیت اقتصادی را هم مثبت می‌دانند، اما اولویت بالاتری را به بیان نفس<sup>۲</sup> و کیفیت زندگی<sup>۳</sup> می‌دهند.<sup>۴</sup> "اینگلهارت"، میزان تحرک اجتماعی بالا، افزایش امید به زندگی، ریسک پذیری، کاهش اقتدارهای مذهبی و دیوانسالارانه‌ی دوران سنتی و مادی گرایی و تغییر در نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی را از جمله شاخصه‌های فرامادی گرایی می‌داند<sup>۵</sup> (میرفردی، ۱۳۸۷: ۱۱۶). "اینگلهارت" با توجه به تعریف و تعبیری که در مورد فرهنگ دارد، به طرح نظریه دگرگونی ارزشی- فرهنگی اش می‌پردازد. او فرهنگ را، نظامی از ارزش‌ها و نگرش‌ها و دانشی می‌داند که در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و تغییر فرهنگی و ارزشی را متأثر از تحولات عمده ساختاری می‌داند (میرفردی، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

1 Inglehart , 1977: 33

2 self- expression

3 quality of life

4 Ibid... P. 35

5 Ibid. , PP. 35-39

آلكساندر: دسته‌بندی ارزش‌ها در سه بخش؛ انگیزه‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی.

"آلكساندر"، در نظریه خود درباره جامعه مدنی، چنین جامعه‌ای را مبتنی بر منابع یا درون‌دادهای ناشی از سپهرهایی دیگر همچون: زندگی سیاسی، نهادهای اقتصادی و فرهنگی و سازماندهی سرزمینی<sup>۱</sup> است. او در نظریه اش از جامعه مدنی و با گفتمان مبتنی بر ویژگی‌های دوتایی، ساختار گفتمانی جوامع را برحسب کدهای مردم سالارانه و غیرمردم سالارانه دسته‌بندی می‌کند. وی این دسته‌بندی را در سه بخش انگیزه‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی ارائه می‌کند. در این دسته‌بندی‌ها دودسته از ویژگی‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، در بخش انگیزه‌های اجتماعی: فعال بودن در برابر خشی بودن، استقلال در برابر وابستگی، عقلانی در برابر غیرعقلانی، واقع‌گرا در برابر غیرواقع‌گرا، معقول در مقابل نامعقول (متعصب). در بخش روابط اجتماعی: باز (شفاف) بودن در مقابل بسته (پنهانی) بودن، اعتماد در مقابل بدگمانی، شعور در مقابل شور، دوستی در مقابل دشمنی. و در بخش نهادهای اجتماعی: قاعده‌مندی در مقابل خودسری، قانون در مقابل قدرت، برابری در مقابل سلسله‌مراتب، فراگیر در برابر انحصاری، شخصی در مقابل غیرشخصی، گروه‌های اجتماعی در مقابل جناح‌ها و در نهایت، سمت در مقابل شخصیت قرار دارند<sup>۲</sup>. ویژگی‌های دسته اول را می‌توان به عنوان ارزش‌های سازگار با توسعه و ویژگی‌های دسته دوم را می‌توان به عنوان ارزش‌های ناسازگار با توسعه در دیدگاه "آلكساندر" تلقی کرد (میرفردی، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

### چارچوب و مدل نظری مناسب پژوهش

در تعریف کارکرد گرایان، الگوهای ارزشی با بیانی عام، راه‌های خاص نحوه‌ی رفتار و کنش را در موقعیت‌های ویژه به ما نشان می‌دهد. (میرفردی، ۱۳۸۷). در این پژوهش، مقصود از جهت‌گیری ارزشی این است که فرد به طرف کدامیک از ارزش‌های تسهیل‌کننده یا بازدارنده توسعه، تمایل بیشتری نشان می‌دهد.

<sup>۱۲</sup> territorial organization

<sup>۱۳</sup> Alexander, 2001: 4-8

گرایش یعنی تمایل داشتن به هر موضوع و مفهوم مادی و غیر مادی، اما اگر گرایش معطوف به ارزش‌ها باشد، گرایش ارزشی مترادف جهت‌گیری ارزشی خواهد بود. به عنوان مثال، دانش یک ارزش تلقی می‌شود اما میزان تمایل یک فرد نسبت به آن، معرف میزان گرایش او به ارزش دانش یا جهت‌گیری ارزشی او را نشان می‌دهد. در ادبیات پارسنز از آنجا که متغیرهای الگویی، متضمن جهت‌گیری در کنش‌های انسانی اعم از مادی و غیر مادی است، نگرش و جهت‌گیری ارزشی تقریباً به یک معنی تلقی می‌شوند. رویکرد این پژوهش به روابط بین شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی از توسعه انسانی و جهت‌گیری ارزشی، کارکردی و تعاملی است. ترجیحات و سوگیری‌های ارزشی یکی از مهمترین تعیین‌کننده‌های جهت‌های رفتاری اعضای یک جامعه هستند. جهت‌گیری ارزشی در سطح فردی مورد نظر این پژوهش است،

بر اساس دیدگاه‌ها و مبانی نظری پژوهش و بررسی سوابق تحلیلی و تجربی در این پژوهش، از دیدگاه نوسازی روانی و نظریه پردازانی چون: راجرز، مک‌لند، هیگن، پارسنز، لوی، بلا، ژاکوبس، الکساندرو اینگلهارت که جملگی آنها کم و بیش بر روی معیارهای زیر به عنوان شاخص‌های ارزشی مطرح در زمینه توسعه که جهت‌گیری ارزشی افراد در تعامل یا تقابل با چنین ارزش‌هایی می‌توانند معیاری مناسب در میزان و درجه‌ی توسعه یافتگی تلقی شوند اشاره دارند. این معیارهای ۱۵ گانه عبارتند از: ۱- گرایش به شایسته‌سالاری، ۲- خطرپذیری و عدم انفعال‌گرایی، ۳- اهمیت دادن به سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، ۴- اعتقاد به اعتماد بالا و همدلی، ۵- اجتناب از کنش‌های عاطفی و گرایش به کنش‌های غیر عاطفی، ۶- اعتقاد به منافع جمعی، ۷- باور به مشارکت سیاسی، ۸- توجه به علم و آموزش، ۹- عدم گرایش به شانس و تقدیر‌گرایی، ۱۰- آینده‌نگری، ۱۱- اهمیت دادن به کار و تلاش، ۱۲- جهت‌گیری اکتسابی، ۱۳- باور به قدرتهای هم سطح و افقی، ۱۴- باور به آزادی بیان و ۱۵- باور به برابری در نقش‌های جنسیتی.

ارزش‌های فوق در چهار شاخص کلی زیر شکل دهنده متغیر وابسته پژوهش یعنی جهت‌گیری ارزشی خواهد بود.

الف) شاخص ارزش‌های (عقلانی/غیرعقلانی) با شماره معیارهای: ۵/۲/۳/۱۱/۱۰

ب) شاخص ارزش‌های (عام‌گرایی/خاص‌گرایی) با شماره معیارهای: ۴/۱۲/۶/۱

ج) شاخص ارزش‌های (دمکراتیک / غیردمکراتیک) با شماره معیارهای: ۷/۱۵/۱۴/۱۳  
د) شاخص ارزش‌های منسوب به (علم‌گرایی بالا / علم‌گرایی پایین) با شماره معیارهای:

۹/۸

جهت‌گیری ارزشی نسبت به ارزش‌های عقلانی، عام‌گرایی، دمکراتیک و علم‌گرایی بالا به عنوان ارزش‌های تسهیل‌کننده در امر توسعه، و در نقطه‌مقابل جهت‌گیری ارزشی نسبت به ارزش‌های غیرعقلانی، خاص‌گرایی، غیردمکراتیک و علم‌گرایی پایین، به عنوان ارزش‌های بازدارنده در امر توسعه در این پژوهش، تلقی می‌شوند.

### فرضیه‌های پژوهش

جهت‌گیری‌های ارزشی به عنوان متغیر وابسته در این پژوهش متأثر از متغیرهای گوناگونی است که در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی جامعه و همچنین نظام جهانی ریشه دارد و شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه انسانی در سطح خرد می‌تواند به عنوان یکی از ابعاد آن به عنوان متغیر مستقل عمل کند. چون این شاخص‌ها متأثر از ساختارهای یاد شده است، بنابراین تبیین فرضیه‌هایی که در این پژوهش مورد نظر هستند، تبیینی نسبی و بیشتر از نوع پیشگویی است. آنچه مد نظر است، این است که تغییرات در شرایط اقتصادی و اجتماعی، می‌تواند به عنوان متغیرهای مستقل، زمینه و جهت‌گیری ارزشی جدیدی را در پی داشته باشد این پژوهش در صدد آزمون چند فرضیه اصلی است. لذا برای یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های قبلی، فرضیات زیر مطرح می‌شود:

۱- بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۲- بین وضعیت شغلی پاسخ‌گویان و جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۳- بین وضعیت مالی پاسخ‌گویان و جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۴- بین احساس امید به زندگی در پاسخ‌گویان و جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه معنی‌دار

وجود دارد

۵- بین احساس امنیت و جهت‌گیری ارزشی پاسخ‌گویان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

- ۶- بین میزان استفاده از اینترنت توسط پاسخ گویان و جهت گیری ارزشی آنان رابطه معنی دار وجود دارد
- ۷- بین جنسیت و جهت گیری ارزشی پاسخگویان رابطه معنی دار وجود دارد.
- ۸- بین سن و جهت گیری ارزشی پاسخگویان رابطه معنی دار وجود دارد.

## متغیرهای پژوهش

### متغیر وابسته: جهت گیری ارزشی

- ۱- از نظر "پارسنز" جهت گیری ارزشی افراد براساس متغیرهای الگویی، راهنمای عمل آنان در هر موقعیتی است (سو، ۱۳۷۸: ۳۴).
- ۲- جهت گیری ارزشی در ابعاد انسانی آن برخاسته از ارزش هایی هستند که فرد پذیرفته است. جهت گیری ارزشی را می توان تمایل یاد گرفته شده فردی برای پاسخ دادن به محرکی مخصوص با شیوه ای معین تعریف کرد. (درسلر و ویلز، ۱۹۷۵: ۳۸).
- ۳- از نظر "هانری مندراس Henri Mndras" ارزش های اجتماعی در صورت انتزاعی خود در قالب زشت، زیبا، بد و خوب و مفاهیمی مانند اینها، در جهت گیری ارزشی افراد خود را نشان می دهد (معیدفر، ۱۳۸۷: ۹۰).
- بر اساس دیدگاه ها و مبانی نظری پژوهش و بررسی سوابق تحلیلی و تجربی در این پژوهش، از دیدگاه نوسازی روانی و نظریه پردازانی چون: راجرز، مک لند، هیگن، پارسنز، لوی، بلا، ژاکوبس، الکساندرو اینگلهارت که جملگی آنها کم و بیش بر روی معیارهای زیربه عنوان شاخص های ارزشی مطرح در زمینه توسعه که جهت گیری ارزشی افراد در تعامل یا تقابل با چنین ارزش هایی می توانند معیاری مناسب در میزان و درجه ی توسعه یافتگی تلقی شوند اشاره دارند. این معیارهای ۱۵ گانه عبارتند از: ۱- گرایش به شایسته سالاری، ۲- خطر پذیری و عدم انفعال گرایی، ۳- اهمیت دادن به سرمایه گذاری و پس انداز، ۴- اعتقاد به اعتماد بالا و همدلی، ۵- اجتناب از کنش های عاطفی و گرایش به کنش های غیر عاطفی، ۶- اعتقاد به منافع جمعی، ۷- باور به مشارکت سیاسی، ۸- توجه به علم و آموزش، ۹- عدم

گرایش به شانس و تقدیر گرایی، ۱۰- آینده‌نگری، ۱۱- اهمیت دادن به کار و تلاش، ۱۲- جهت‌گیری اکتسابی، ۱۳- باور به قدرتهای هم سطح و افقی، ۱۴- باور به آزادی بیان و ۱۵- باور به برابری در نقش‌های جنسیتی.

ارزش‌های فوق در چهار شاخص کلی زیر شکل دهنده متغیر وابسته پژوهش یعنی جهت‌گیری ارزشی خواهد بود:

الف) شاخص ارزش‌های (عقلانی/غیرعقلانی)، ب) شاخص ارزش‌های (عام‌گرایی/خاص‌گرایی)، ج) شاخص ارزش‌های (دمکراتیک/غیردمکراتیک) د) شاخص ارزش‌های منسوب به (علم‌گرایی بالا/علم‌گرایی پایین)

جهت‌گیری ارزشی نسبت به ارزش‌های عقلانی، عام‌گرایی، دمکراتیک و علم‌گرایی بالا به عنوان ارزش‌های تسهیل‌کننده در امر توسعه، و در نقطه مقابل، جهت‌گیری ارزشی نسبت به ارزش‌های غیرعقلانی، خاص‌گرایی، غیردمکراتیک و علم‌گرایی پایین، به عنوان ارزش‌های بازدارنده در امر توسعه در این پژوهش، تلقی می‌شوند.

**متغیرهای مستقل: احساس امید به زندگی:** شاخص اصلی در رویکرد نیازهای اساسی<sup>۱</sup> به توسعه انسانی، امید به زندگی است. نیازهای اساسی عبارتند از سلامت فیزیکی و خودمختاری در عمل. سلامت فیزیکی حالتی از بهزیستی فیزیکی، روانی و اجتماعی است. منظور از احساس امید به زندگی یعنی؛ احساس امید در مقابل احساس یأس و احساس استقلال در مقابل احساس عجز و درماندگی است. (وزارت فرهنگ، ۱۳۸۱: ۳۱). ضمن آن که امیدواری و اطمینان خاطر نسبت به آینده نیز مورد نظر است. در این پژوهش، شاخص‌های احساس امید به زندگی عبارتند از: ۱- احساس توانمندی، ۲- داشتن اعتماد به نفس، ۳- اطمینان خاطر نسبت به آینده، ۴- رضایت از امکانات زندگی.

#### - احساس امنیت:

۱- امنیت در فرهنگ‌های مختلف به معنای در امان بودن، آرامش و آسودگی خیال، حفاظت در مقابل خطر، احساس آزادی از ترس، احساس ایمنی و احساس رهایی از اضطراب و بیم و خطر اطلاق می‌شود. در واقع زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی،

خطری جان و مال یا سلامتی فکری وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد. می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. یکی از عناصر محوری در احساس امنیت، اعتماد است. (وزارت فرهنگ، ۱۳۸۱: ۴۵).

گیدنز "از اعتماد به عنوان پایه امنیت یاد کرده است. امنیت همان ضمانت و تأمین است که آسودگی و خاطر جمعی را به همراه می‌آورد. در این پژوهش شاخص‌های احساس امنیت عبارتند از: ۱- احساس تنهایی نکردن، ۲- اطمینان به حاکمیت، صداقت و راستگویی در جامعه، ۳- خوش بینی نسبت به محیط، ۴- احساس امنیت مالی و جانی و حیثیتی، ۵- داشتن آسودگی خیال.

- **میزان تحصیلات پاسخگو:** آخرین مقطع تحصیلی که پاسخگو آن را طی کرده و یا در حال طی کردن آن است. این مقاطع شامل: راهنمایی، دبیرستان، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکترا و بالاتر است.

- **میزان استفاده از اینترنت:** منظور استفاده علمی و اطلاعاتی از اینترنت است که پاسخگو باید در دو گویه، این میزان را در یک طیف پنج درجه‌ای (هیچ - خیلی کم - تا حدودی - نسبتاً زیاد - زیاد)، مشخص نماید: ۱- میزان آشنایی با اینترنت ۲- میزان دریافت اطلاعات از اینترنت.

- **وضعیت شغلی:** وضعیت شغلی یا وضعیت فعالیت، به شرایط فعلی پاسخگو از حیث اشتغال و یا عدم اشتغال اشاره دارد که ممکن است، بیکار، خانه دار، دانش آموز، دانشجو، کارگر روز مزد، شاغل در بخش خصوصی، شاغل در بخش دولتی، بازنشسته و سایر موارد باشد.

## روش پژوهش

روش پژوهش برحسب هدف توصیفی- تحلیلی، برحسب جمع آوری اطلاعات پیمایش تحلیلی، ابزار سنجش در بخش پیمایش تجربی، پرسشنامه محقق ساخته و تکمیل آن در جامعه نمونه به روش مصاحبه با مشارکت کنندگان در نمونه و برحسب جهت کاربرد، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شهروندان بالای ۱۵ سال با حداقل مدرک تحصیلی دوره راهنمایی ساکن در شهرهای لاهیجان و سیاهکل در استان گیلان است که چارچوب نمونه گیری پژوهش را تشکیل می‌دهند. این چارچوب از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و استعلام از فرمانداری‌های دو شهر یاد شده به دست آمده است. روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای



سه‌میه‌ای است. روش تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول لین با سطح اطمینان ۹۵٪ و احتمال خطای ۴٪ در حجم جامعه آماری و با این فرض که ۵۰٪ از جمعیت پاسخ‌های یکسانی ارائه کنند، حجم نمونه به نسبت جمعیت‌های دو شهر یاد شده، برای شهر لاهیجان ۱۷۸ نفر و برای شهر سیاهکل ۳۳ نفر به دست آمد، اما از آنجائیکه آمار جمعیتی مربوط به سال ۱۳۸۵ بوده، محقق جهت حصول اطمینان بیشتر، حجم نمونه را به ۲۵۵ نفر، یعنی ۲۰۰ نفر برای شهر لاهیجان و ۵۵ نفر برای شهر سیاهکل، افزایش داده است. برای سنجش اعتبار و روایی پرسشنامه، از اعتبار صوری، تحلیل عاملی و آزمون کرونباخ آلفا استفاده شد 10 درصد حجم نمونه اصلی، حدود ۳۰ نفر، در گروه‌های سنی با سطح تحصیلات و درآمد و وضع فعالیت و شغلی متفاوت، از حجم نمونه اصلی انتخاب گردید و با آنها مصاحبه آزمایشی انجام گرفت. در مرحله پیش آزمون، علاوه بر ثبت پاسخ‌های پیش‌بینی شده، کلیه واکنش‌های پیش‌بینی نشده پاسخگویان در مورد هر سؤال شامل: مکث و تأمل، ابراز ناراحتی، عدم درک سؤال (ابهام)، پاسخ سریع، توضیح اضافی و عدم عکس‌العمل اضافی، ثبت گردیده و در بازنگری سئوالات پرسش‌نامه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. محاسبات آماری متعددی بر روی داده‌ها در پرسش‌نامه‌های مقدماتی انجام گرفته است. از جمله آنها؛ "تحلیل روایی" <sup>۱</sup> مقیاس‌های اصلی به منظور ارزیابی میزان انسجام درونی مقیاس‌ها و شناسایی اجزاء (گویه‌های) نامناسب. همچنین "تحلیل عاملی" <sup>۲</sup> مقیاس‌ها به منظور ارزیابی میزان تداخل و اشتراک مفهومی آنها و در نتیجه کاهش تعداد متغیرها در پرسش‌نامه و در نتیجه انتخاب بهترین و کمترین گویه‌های ممکن. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مشخص کرد که میانگین نمره جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان در یک طیف (۰ الی ۲۰۴) معادل ۱۵۲ با انحراف معیاری معادل ۲۰ گویای نمره جهت‌گیری ارزشی بالایی است.

1 Reliability Analysis

2 Factor Analysis

## یافته‌های پژوهش

### جدول (۱) توزیع فراوانی متغیرهای مستقل و وابسته

درصد	تعداد	
۹.۲۳	۶	جهت گیری ارزشی پاسخگویان
۷.۴۲	۱۰۹	مغایر با توسعه
۳.۳۳	۸۵	بینابین
		در مسیر توسعه
۱.۲۵	۶۴	میزان امید به زندگی پاسخگویان
۸.۳۸	۹۹	پایین
۱.۳۶	۹۲	متوسط
		بالا
۵.۱۶	۴۲	میزان احساس امنیت پاسخگویان
۵.۶۳	۱۶۴	کم
۶.۱۹	۵۰	متوسط
		زیاد
۶.۳۹	۱۰۱	استفاده از اینترنت توسط پاسخگویان
۹.۲۳	۶۱	کم
۵.۳۶	۸۳	متوسط
		زیاد
۲.۵۰	۱۲۸	وضعیت مالی خانواده پاسخگویان
۰.۳۸	۹۷	ضعیف
۸.۱۱	۳۰	متوسط
		قوی
۱.۱۴	۳۶	وضع فعالیت پاسخگویان
۷.۶	۱۷	بیکار
۸.۹	۲۵	خانه دار
۲.۸	۲۱	محصل
۵.۵	۱۴	دانشجو
۶.۱۹	۵۰	کارگر روزمزد

۲.۲۱	۵۴	شاغل در بخش غیر دولتی
۷.۶	۱۷	شاغل در بخش دولتی
۲.۸	۲۱	بازنشسته
		سایر
۷.۴	۱۲	سطح تحصیلات پاسخگویان
۳.۳۷	۹۵	راهنمایی
۷.۱۵	۴۰	دیرستان و دیلم
۴.۳۱	۸۰	فوق دیلم
۵.۷	۱۹	لیسانس
۵.۳	۹	فوق لیسانس
		دکتری و بالاتر
۲.۱۹	۴۹	گروه سنی پاسخگویان
۵.۲۷	۷۰	۲۵-۱۵
۶.۲۱	۵۵	۳۵-۲۶
۶.۱۹	۵۰	۴۵-۳۶
۲.۱۲	۳۱	۵۵-۴۶
		۷۵-۵۶
۱.۵۴	۱۳۸	گروه سنی
۹.۴۵	۱۱۷	مرد
		زن

### آزمون‌های استنباطی

انواع تحلیل‌های دو متغیری مانند تحلیل واریانس در مورد اختلاف میانگین‌ها در گروه‌های مورد مطالعه و در نتیجه، وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیرها و اینکه این رابطه‌ها تا چه حد معنی‌دار هستند، حکایت می‌کنند، اما در مورد میزان قدرت رابطه‌های احتمالی بین متغیرها باید از آزمون‌های دیگری که به آزمون همبستگی موسومند، استفاده کرد.

از جمله ضرایب همبستگی مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن و پیرسون. ضریب همبستگی اسپیرمن، میزان همبستگی یا رابطه بین دو متغیر

ترتیبی را نشان می‌دهد. این ضریب را می‌توان مترادف غیر پارامتری ضریب همبستگی پیرسون نامید. ضریب همبستگی پیرسون برای نشان دادن همبستگی (میزان رابطه، نوع رابطه و جهت رابطه) بین دو متغیر فاصله‌ای یا نسبی به کار برده می‌شود.

## جدول شماره (۲) نتایج آزمون‌های آماری رابطه شاخص‌های اقتصادی اجتماعی توسعه انسانی در سطح خرد و جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان

شاخص	آزمون همبستگی پیرسون	آزمون همبستگی کرمیرن لک	آزمون همبستگی اسپیرمن	ضریب همبستگی دو متغیره	آزمون تحلیل واریانس یک طرفه		اختلاف بینگون آزمون t-test		جهت	سطح سطح		تفاوت بینگون ها
					f	sig	گروه اول	گروه دوم		متغیر مستقل	متغیر وابسته	
تحصیلات	/,58			/,23	16/5	/,00			جهت	متغیر مستقل	متغیر وابسته	127
وضعیت معیشت	/,35	/,28		/,12	7/08	/,00	155	157	جهت	متغیر مستقل	متغیر وابسته	126
وضعیت مالی	/,36			/,13	14/6	/,00			جهت	متغیر مستقل	متغیر وابسته	
احساس امید به زندگی	/,33			/,10	12/25	/,00			جهت	متغیر مستقل	متغیر وابسته	
احساس امنیت	-,56			-,50	43/38	/,00			جهت	متغیر مستقل	متغیر وابسته	
مشاهده از بیرون	/,49			/,37	31/44	/,00			جهت	متغیر مستقل	متغیر وابسته	
جهت	-,21			,64			148	156	جهت	متغیر مستقل	متغیر وابسته	
سن	/,047				3/007	/,01						

### فرضیه اول: بررسی رابطه بین سطح تحصیلات و جهت‌گیری ارزشی:

خروجی آزمون تحلیل واریانس<sup>۱</sup> با مقدار  $F=16.584$  و سطح معنی داری  $Sig=.000$ ، نشان می‌دهد که میانگین نمره جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان با توجه به سطح تحصیلات آنان با اطمینان بالای ۹۹٪ دارای تفاوت معنی داری است. به عبارت دیگر هرچه سطح سواد فرد بالاتر باشد، نمره جهت‌گیری ارزشی فرد نیز بالاتر و با شرایط توسعه سازگارتر است. ضریب همبستگی اسپیرمن برای دو متغیر نشان می‌دهد که با افزایش یا کاهش سطح تحصیلات پاسخگویان نمره جهت‌گیری ارزشی آنان نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. بنا براین بین دو متغیر مورد بررسی همبستگی معنی داری وجود دارد که مبنی تأیید فرض H1 است.

ضریب همبستگی پیرسون به میزان ۰/۵۸۹ در سطح اطمینان بالایی (۹۹٪) نشان از رابطه و همبستگی مثبت بین دو متغیر دارد. به طوری که با افزایش تحصیلات در افراد، نمره جهت‌گیری ارزشی آنان نیز افزایش می‌یابد و با شرایط توسعه سازگاری بیشتری پیدا می‌کنند. همچنین خروجی آزمون از تبیین ۲۳/۹٪ در صد متغیر وابسته توسط متغیر مستقل، خبر می‌دهد. این میزان در جامعه مورد بررسی ۲۳٪ است.

نتیجه: با توجه به آزمون‌های یاد شده، نتیجه می‌گردد که فرضیه H1 مبنی بر وجود رابطه بین میزان تحصیلات و جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان (فرضیه اول پژوهش)، تأیید می‌گردد و فرضیه H0 رد می‌شود.

### فرضیه دوم: بررسی رابطه بین وضعیت شغلی و جهت‌گیری ارزشی:

برای بررسی رابطه وضعیت شغلی و جهت‌گیری ارزشی، متغیر مستقل در دو وضعیت شامل (وضع فعالیت) و (نوع شغل دولتی و غیردولتی)، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. وضعیت فعالیت پاسخگویان به عنوان یک متغیر اسمی شامل هشت گروه است. خروجی آزمون تحلیل واریانس در سطح اطمینان بالای ۹۹٪ (sig=. 000) و  $f=7.082$  با درجات آزادی ۸ و ۲۴۶ بر تفاوت در جهت‌گیری ارزشی لاقفل دو گروه از پاسخگویان با توجه به وضع فعالیت آنها، صحه می‌گذارد. جدول مربوط به میانگین گروه‌ها نشان می‌دهد که؛ کارگران روزمزد با میانگین نمره جهت‌گیری ارزشی معادل ۱۲۶ و دانشجویان به همراه شاغلین دولتی با نمره ۱۵۹ به ترتیب کمترین و بیشترین نمره جهت‌گیری ارزشی را دارا می‌باشند.

داده‌های جداول رگرسیون نشان می‌دهند که رابطه و همبستگی پیرسون بین دو متغیر (وضع فعالیت) و (جهت‌گیری ارزشی) به میزان ۰/۳۵۸ در سطح اطمینان بالای ۹۹٪ مورد تأیید است و نمودار تخمین برآورد، رابطه خطی بین دو متغیر را مورد تأیید قرار می‌دهد. خروجی آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر مستقل قادر به تبیین ۱۲/۸٪ از تغییرات متغیر وابسته است که به میزان ۱۲/۵٪ در جامعه مورد مطالعه تقلیل می‌یابد.

نتیجه: آزمونهای مربوط به فرضیه دوم پژوهش گواهی می‌دهند که: الف) بین وضع فعالیت پاسخگویان و جهت گیری ارزشی آنان رابطه وجود دارد. (H1). ب) بین نوع شغل (دولتی - غیردولتی) و جهت گیری ارزشی رابطه وجود ندارد. (H0)

در مجموع نوع فعالیت در این تحلیل به نوعی معرف در آمد افراد است. چنانچه گفته شد؛ تفاوت عمده در دو گروه از پاسخگویان از لحاظ فعالیت، یعنی افراد (بیکار، خانه دار و کارگران روزمزد) و (محصّلین و دانشجویان، شاغلین و بازنشستگان) با امحاء نظر از محصلین و دانشجویان که هنوز زندگی مستقلی ندارند، به ترتیب بیشتر در نداشتن و داشتن استقلال مالی آنان است. به نظر می‌رسد که این دسته بندی در نوع فعالیت در میزان درآمد افراد مؤثر است و این دو پارامتر در کنار یکدیگر بر میزان جهت گیری ارزشی افراد، تأثیر گذارند.

### فرضیه سوم: بررسی رابطه بین وضعیت مالی و جهت گیری ارزشی

تفسیر: خروجی آزمون تعیین ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر یاد شده، مقدار این ضریب را معادل ۰/۲۳۱. و در سطح اطمینان ۰/۹۹ ارزیابی می‌کند که نشان از وجود رابطه و همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته در این فرضیه از پژوهش است. متغیر مستقل وضعیت مالی خانواده (طیف ۰ الی ۱۶) و متغیر وابسته جهت گیری ارزشی (طیف ۰ الی ۲۰۸)، به عنوان دو متغیر کمی-نسبی، مورد آزمون رگرسیون دو متغیره قرار می‌گیرند.

ضریب همبستگی پیرسون به میزان ۰/۳۶۹ در سطح معنی داری بالای ۰/۹۹ درصد (sig=0/000) نشان از رابطه و همبستگی مثبت بین دو متغیری دارد که در یک رابطه خطی قرار دارند. همچنین، خروجی آزمون رگرسیون گویای این امر است که، ۰/۱۳٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود، ضمن آنکه میزان تبیین متغیر وابسته توسط متغیر مستقل در جامعه مورد مطالعه ۰/۳۱۳٪ است. بنابراین فرضیه سوم پژوهش یعنی وجود رابطه بین وضعیت مالی خانواده و جهت گیری ارزشی مورد تأیید مجدد قرار می‌گیرد. (H1).

### فرضیه چهارم: بررسی رابطه بین احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی:

خروجی جدول تحلیل واریانس با مقدار  $F = ۱۲/۲۵۷$  و درجات آزادی ۲ و ۲۵۲، در سطح معنی‌داری  $Sig = 0/00$ ، نشان از تفاوت میانگین جهت‌گیری ارزشی لاقابل در دو گروه از پاسخگویان بر اساس میزان احساس امید به زندگی در آنان دارد.

آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون دو متغیره در سطح معنی‌داری بالای ۹۹٪ وجود رابطه و همبستگی مثبت بین احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی را با ضریبی معادل ۳۳۱/۰ مورد تأیید قرار می‌دهد. داده‌های جداول رگرسیون خطی حاکی از آن است که ۹۰٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط این متغیر مستقل تبیین شدنی است.

نتیجه: آزمونهای آماری مرتبط با فرضیه چهارم پژوهش، که رابطه بین احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی آنان را مورد بررسی قرار دادند، بر وجود این رابطه تأکید دارند. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. (H1).

### فرضیه پنجم: بررسی رابطه بین احساس امنیت و جهت‌گیری ارزشی:

بر اساس آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، محاسبه میانگین نمرات جهت‌گیری ارزشی در سه گروه از پاسخگویانی که احساس امنیت در آنان ضعیف، متوسط و بالا ارزیابی شده است، نتایج حاصل نشان می‌دهد که این نمره در آنان به ترتیب: ۱۷۳، ۱۵۰، و ۱۴۰ است. این امر بیانگر رابطه معکوس بین متغیر مستقل و وابسته است. بدین معنی که: دارندگان جهت‌گیری ارزشی پائین تر احساس امنیت بیشتری می‌کنند.

نتایج آزمون رگرسیون دو متغیره در سطح معنی‌داری بالای ۹۹٪ با میزان ضریب همبستگی پیرسون منفی ۵۶۸/۰-، مبین رابطه‌ای معکوس بین احساس امنیت و جهت‌گیری ارزشی است. همچنین متغیر مستقل احساس امنیت قادر است به میزان بالای ۳۲٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند.

نتیجه: فرضیه پنجم پژوهش مبنی بر وجود رابطه و تأثیر احساس امنیت بر جهت‌گیری ارزشی افراد، تأیید می‌گردد. به نظر می‌رسد، افراد در سطوح بالاتر تحصیلات این امنیت را کمتر احساس کرده و در نتیجه نمره کمتری در احساس امنیت کسب کرده‌اند و این درحالی

است که همین افراد از جهت گیری ارزشی در سطح بالاتری برخوردارند. بالعکس افرادی که در سطوح پائین تری از بینش اجتماعی برخوردار باشند، توقع کمتری در آنان نسبت به داشتن چنین امنیتی وجود دارد و بیشتر توجه آنها در سطوح مسائل مادی و روزمره زندگی است.

### فرضیه ششم: بررسی رابطه بین میزان استفاده از اینترنت و جهت گیری ارزشی:

بر اساس آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، نتایج محاسبه میانگین نمرات جهت گیری ارزشی در سه گروه از پاسخگویانی که: آشنایی با اینترنت ندارند و یا در حد متوسط و یا بالایی از اینترنت استفاده می کنند به ترتیب عبارت است از: ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۶۲. این امر بیانگر رابطه مستقیم بین متغیر مستقل و وابسته است. بدین معنی که: دارندگان جهت گیری ارزشی بالا تر بیشتر از اینترنت استفاده می کنند.

تفسیر: داده های جداول رگرسیون نشان می دهند که رابطه و همبستگی بین دو متغیر به میزان 0/492 در سطح اطمینان بالای ۹۹٪ مورد تأیید است. در این آزمون متغیر مستقل قادر به تبیین ۲۴٪ از متغیر وابسته است که به میزان ۲۳٪ در جامعه مورد مطالعه تقلیل می یابد. نتیجه: مجموعه آزمونهای به عمل آمده بر وجود رابطه بین متغیر مستقل (استفاده از اینترنت) و متغیر وابسته (جهت گیری ارزشی)، گواهی می دهند، بنابراین فرضیه هفتم پژوهش نیز تأیید می گردد. (H1).

### فرضیه هفتم: بررسی رابطه بین جنس و جهت گیری ارزشی:

آزمون t-test بر حسب متغیر زمینه ای (جنسیت پاسخگویان) و متغیر وابسته (جهت گیری ارزشی). این آزمون روش تحلیل مناسب برای یک متغیر مستقل ترتیبی یا اسمی با دو طبقه (جنسیت) و یک متغیر وابسته فاصله ای یا کمی - نسبی (جهت گیری ارزشی) است، که با مقایسه میانگین ها به تحلیل تفاوت دو گروه می پردازد. فرض  $H_0$  در آزمون تی با دو نمونه مستقل (زنان و مردان) عدم تفاوت بین میانگین مقادیر دو نمونه است.

تفسیر: خروجی این آزمون در جدول اول، مردان و زنان را به ترتیب با میانگین جهت گیری ارزشی معادل ۱۴۸ و ۱۵۶ و با اختلاف انحراف معیار قابل توجهی نشان می دهد. ضمن



آنکه زنان از جهت‌گیری ارزشی بالاتری برخوردارند، از پراکندگی به نسبت کمتری نیز در نمره جهت‌گیری ارزشی برخوردارند. این امر نشان‌دهنده آن است که زنان با شرایط توسعه‌سازگاری بیشتری دارند.

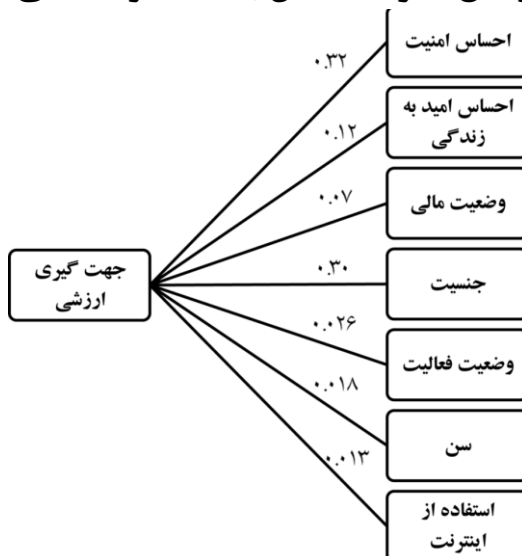
تفسیر: ضریب همبستگی پیرسون به میزان  $0/211-$  در سطح اطمینان بالایی (۹۹٪) نشان از رابطه و همبستگی بین دو متغیر دارد. منفی بودن ضریب به این دلیل است که با افزایش کد از ۰ به ۱ (زنان به مردان)، جهت‌گیری ارزشی، کاهش می‌یابد. زیرا چنانکه در آزمون T-TEST اشاره کردیم، نمره جهت‌گیری ارزشی زنان، بیشتر از مردان است. همچنین خروجی آزمون از تبیین  $4/9\%$  در صد متغیر وابسته توسط متغیر مستقل، خبر می‌دهد که این میزان پیش‌بینی در جامعه مورد بررسی  $4/1\%$  است.

نتیجه: آزمونهای آماری به عمل آمده در مورد رابطه بین جنسیت و جهت‌گیری ارزشی، نشان می‌دهند که بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است به طوری که زنان از حیث نمره جهت‌گیری ارزشی بالاتر از مردان بوده و به عبارت دیگر به ارزش‌های تسهیل‌کننده توسعه گرایش بیشتری داشته و در مجموع با شرایط توسعه‌سازگاری بیشتری دارند. نتیجه آنکه: بین جنسیت پاسخگویان و جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه وجود دارد. به عنوان یک فرضیه جنبی و مکمل در این پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. (H1).

### فرضیه هشتم: بررسی رابطه بین سن و جهت‌گیری ارزشی:

نتیجه: آزمونهای به عمل آمده در مورد بررسی رابطه احتمالی بین سن پاسخگویان به عنوان یک متغیر مستقل زمینه‌ای و نمره جهت‌گیری ارزشی آنان به عنوان یک متغیر وابسته به عمل آمد، رابطه معنی‌داری را بین دو متغیر نشان می‌دهد. بنابراین فرضیه جانبی مربوط به رابطه سن و جهت‌گیری ارزشی در این پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. (H1).

### رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و جهت گیری ارزشی



در پژوهش حاضر متغیرهای مستقل شامل: احساس امنیت، احساس امید به زندگی، وضعیت مالی، جنسیت، وضع فعالیت، سن و استفاده از اینترنت و متغیر وابسته: جهت گیری ارزشی است، که به روش گام به گام مورد آزمون و تحلیل رگرسیون چند گانه قرار گرفت. نمودار بالا خلاصه مدل در خروجی تحلیل رگرسیون نشان می دهد که متغیرهای مستقل در سطح اطمینان ۹۵٪ قادر به حضور در معادله رگرسیون چند متغیره هستند و قادر به تبیین ۰.۷۷ متغیر وابسته در حجم نمونه مورد مطالعه است.

### بحث و نتیجه گیری

همان طور که در بحث نظری مقاله آمده است، "رابطه بین شاخص های اقتصادی و اجتماعی توسعه انسانی در سطح خرد و جهت گیری ارزشی پاسخگویان" در پرتو مفهوم نظری "متغیرهای الگویی دو وجهی پنج گانه" پارسنز از یک سو و مفهوم نظری "تحول ارزشی" در دیدگاه های اینگلهارت، راکچ، و...، با رویکردی ساختی - کارکردی و تعاملی و با توجه به شاخص های توسعه انسانی در سطح خرد، بحث و بررسی، و از آن هشت فرضیه استخراج و استنتاج شد. پس از طی فرآیند پیمایش در میان پاسخگویان شهرستان های لاهیجان و سیاهکل

و اجرای آزمون‌های آماری متناسب با سطح سنجش شاخص‌ها و متغیرهای مستقل و وابسته فرضیه‌های پژوهش و تحلیل یافته‌ها، در جمع‌بندی کلی نتایج زیر بدست آمد:

نتایج حاصل از آزمون‌های روابط و تفاوت میانگین‌ها و تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد که: با افزایش سطح تحصیلات افراد نمره جهت‌گیری ارزشی افراد بالاتر می‌رود و بنابراین، گرایش به طیف ارزش‌های تسهیل‌کننده در امر توسعه بیشتر می‌شود. اگر چه، در روابط دو متغیره، این همبستگی، مثبت و قوی است، اما در معادله رگرسیون چند متغیره، تحصیلات فرد جزء مهمترین متغیرهای تبیین‌کننده جهت‌گیری ارزشی افراد در جامعه مورد مطالعه نیست. این امر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، ممکن است به معنای عدم رابطه بین تحصیلات بالا و فرهنگ بالا باشد. شاید کیفیت تحصیلات تعیین‌کننده‌تر باشد و یا شاید فرهنگ بالا به معنای فرهنگ برتر و متعالی‌تر نباشد.

بین وضعیت فعالیت و جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین جهت‌گیری ارزشی گروه‌های مختلف تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به ویژه بیشترین تفاوت معنی‌دار بین کارگران روزمزد (۱۲۶) و دانشجویان و شاغلین بخش دولتی (۱۵۹) است. اگر چه نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که این تاثیرگذاری وضعیت فعالیت بر جهت‌گیری ارزشی افراد، به واسطه تاثیر غیر مستقیم دو متغیر قوی در اثرگذاری بر متغیر وابسته یعنی تحصیلات و درآمد است. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری استنباطی نشان می‌دهد که علاوه بر وجود رابطه بین وضعیت مالی خانواده‌ها و جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان، رابطه بین این دو متغیر مستقیم و جهت آن نیز مثبت است و با بهبود وضعیت مالی خانواده‌ها، نمره جهت‌گیری ارزشی نیز افزایش یافته و افراد گرایش بیشتری به ارزش‌های تسهیل‌کننده توسعه نشان می‌دهند.

همان‌طور که اینگلهارت نیز در پیمایش جهانی ارزش‌ها تحلیل کرد که: شاخص‌های امنیت‌سازنده (سطح حرفه، سطح تحصیلات پدر، سطح تحصیلات مادر، و سطح تحصیلات پاسخگو) به عنوان پس‌زمینه اجتماعی، عامل مؤثری در جهت‌گیری نسبت به ارزش‌های مادی و فرامادی هستند. در این پژوهش نیز، نتایج حاصل از رابطه بین شاخص‌های تحصیلات، وضعیت شغل و وضعیت مالی با جهت‌گیری ارزشی مثبت است.

در این پژوهش متغیری که بیشترین تاثیر را بر جهت گیری ارزشی پاسخگویان داشته احساس امنیت است. در این پژوهش، احساس امنیت به کیفیت زندگی اشاره دارد. زیرا، احساس امنیت از شاخص‌های عمده کیفیت زندگی در توسعه انسانی است. توسعه انسانی تنها بر خورداری از زندگی طولانی همراه با تندرستی و دست یابی به حداکثر توانایی جهت پدید آوردن سطح مناسب زندگی نیست. بلکه، انتخاب‌های دیگر نیز نزد مردم ارزش والایی دارند. از قبیل: آزادی سیاسی- اجتماعی و اقتصادی، داشتن فرصت و موقعیت برابر دست یابی به نقش خلاق و سازنده، برخورداری از حیثیت و منزلت شخصی و حقوق انسانی تضمین شده. احساس امنیت در پژوهش حاضر، بیشتر به منزله امنیت فکری در قبال نیازهایی است که به بهبود کیفیت زندگی مربوط می‌شود.

در پیمایش ارزش‌ها توسط " اینگلهارت"، جهت گیری ارزشی به سوی ارزش‌های فرا مادی با شاخص‌های امنیت سازنده (در آمد، سطح تحصیلات والدین و خود فرد) همبستگی نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد.

در پژوهش حاضر، ملاحظه می‌شود که: در حالیکه جهت گیری ارزشی پاسخگویانی که در طیف بالایی از ارزش‌های تسهیل کننده در امر توسعه قرار دارد، اما نمره احساس امنیت آنان کمتر است. این امر بیانگر آن است که از نظر کسانی که دارای نمره جهت گیری ارزشی بالاتری هستند، شاخص‌های بیانگر احساس امنیت در جامعه مورد مطالعه در دسترس نیست و یا خیلی کم در دسترس است. بنابراین، نمره احساس امنیت کمتر، مترادف با نمره جهت گیری ارزشی بالاتر است و همبستگی بین این دو منفی است.

در زمینه بحث فوق، در پیمایش جهانی ارزش‌ها، اینگلهارت نتیجه می‌گیرد: ارزش‌های مردم غرب از تاکید کامل بر رفاه مادی و امنیت جانی به سوی تاکید بیشتر بر کیفیت زندگی تحول یافته است. به طوری که تغییرات در سطح سیستم ( توسعه اقتصادی، افزایش تحصیلات و...)، باعث تغییراتی در سطح فردی شده و همین تغییرات در نهایت جهت دهنده ارزش‌ها شده اند. اینکه چرا در این پژوهش، متغیر سن تاثیر چندان محسوسی بر جهت گیری ارزشی افراد ندارد، اینگلهارت در نتیجه گیری خود از پیمایش جهانی ارزش‌ها و تاثیر سن بر گرایش‌های مادی و فرامادی می‌نویسد: سطوح توسعه اقتصادی و ارزش‌ها در جوامع گوناگون، روابط متفاوتی را نشان می‌دهد. برای مثال، در کشوری مثل کره جنوبی که سریع

ترین رشر اقتصادی را در مقایسه با دیگر جوامع تجربه کرده، در جوانان گرایش بسیار شدیدی در مقایسه با بزرگترهای شان نسبت به ارزش‌های فرامادی دیده می‌شود. در حالی که، همین امر در کشوری مثل: نیجریه که رشد اندکی در درآمد سرانه دارد، رابطه بسیار ضعیفی بین سن و جهت‌گیری ارزشی دیده می‌شود. در بیشتر موارد، در میان جوانان، الگوهای متفاوت و غیر قابل انتظار در جهت‌گیری ارزشی دیده می‌شود که بیشتر نشان از نوعی ناخشنودی دارد و به همین خاطر است که برآیند جهت‌گیری ارزشی را در سنین مختلف به هم نزدیک می‌کند.

یافته‌های پژوهش، تاثیر قوی متغیر زمینه‌ای جنسیت بر جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان را نشان می‌دهد. به طوری که، زنان دارای نمره بالاتری در جهت‌گیری ارزشی بوده و با معیارهای توسعه هماهنگی بیشتری نشان می‌دهند. گسترش میزان گرایش به تحصیلات عالی در زنان در سال‌های گذشته، در کنار بالا رفتن سن ازدواج و آزادی عمل کمتر دختران در تفریحات و سرگرمی‌های خارج از خانه در اوقات فراغت، موجب می‌شود که انگیزه زنان جهت حضور هر چه بیشتر در عرصه اجتماعی بیشتر شود و بنابراین، به تحصیلات روی آورند. از این روست که این شاخص مکمل جهت‌گیری ارزشی زنان می‌شود.

نتیجه کلی آن که: در واقع شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه انسانی خود ایجاد کننده متغیرهای واسط دیگری است که از آن طریق، تاثیر غیر مستقیم بر متغیر تابع (جهت‌گیری ارزشی) می‌گذارد.

## منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی فرهنگ، تهران، نشر علم، چاپ اول.
- ۲- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی توسعه، نشر کلمه، تهران، چاپ سوم.
- ۳- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی توسعه، تهران، انتشارات کیهان، چاپ ششم.
- ۴- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحولات فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول.
- ۵- پژوهش نامه (۱۳۸۷). پژوهشکده استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۷.

- ۶- پژوهش نامه علوم انسانی (تابستان ۱۳۸۶). شماره ۵۴.
- ۷- توکلی، مهناز (۱۳۸۲). مجموعه مقالات گسست نسلیها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی، تهران.
- ۸- طالب، مهدی (۱۳۸۰). شیوه‌های عملی مطالعات اجتماعی (روش پژوهش عملی)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۹- غفاری، احمد (۱۳۸۵). بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی، اجتماعی دانشجویان بر جهتگیری ارزشی آنان، مشهد، ۱۳۸۵.
- ۱۰- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۸). کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی. تهران، انتشارات شیرازه، چاپ اول.
- ۱۱- فصل نامه علمی پژوهشی سازمان رفاه اجتماعی (۱۳۸۴)، سال چهارم، شماره ۱۵.
- ۱۲- فصل نامه تخصصی جامعه شناسی (۱۳۸۷)، سال سوم، شماره ۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، فروردین ۱۳۸۷.
- ۱۳- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳). جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.
- ۱۴- معیدفر، سعید (۱۳۸۷). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی - بررسی شکاف نسلی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صفحه ۸۰ - ۵۵.
- ۱۵- ملکی، امیر. بررسی رابطه پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده با گرایشهای ارزشی نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد (جامعه شناسی)، دانشگاه تربیت مدرس، ثبت به شماره ۱۳۴۳، تیر ۱۳۷۵. استاد راهنما: دکتر رحمت اله صدیق سروستانی، استاد مشاور: کیانوش هاشمیان.
- ۱۶- میلر، دلبرت (۱۳۸۷). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشرنی، چاپ سوم.
- ۱۷- نمایه پژوهش (تابستان ۱۳۸۰). معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- ۱۸- سو، الوین. ی (۱۳۷۸). تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.